

کمیته مجازات:

## اگر شنیده شد که دو مرتبه از اینگونه مزخرفات در منبر از آمریکایی‌ها بگویند و تکذیب نکنند

کمیته مجازات با قرار دادن نام صاحب مفاتیح الجنان در لیست ترور، نوشت: آقای آقا شیخ عباس قمی، پدر سوخته، شنیدم که در منبر از آمریکایی‌ها حرف بد می‌زنید، اگر شنیده شد که دو مرتبه از اینگونه مزخرفات بگویند و تکذیب نکنند، همین دوشنبه به ضرب گلوله شکمت را مثل سگ پاره پوره خواهیم کرد.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، امروز دهم شهریور صد و پنجمین سالروز تشکیل کمیته مجازات دمکرات به دست سرتیپ اسدالله خان ابوالفتح زاده، ابراهیم خان سرتیپ ملقب به منشی‌زاده و محمدنظر خان مشکوه‌الممالک از اعضای لژ ماسونی «بیداری ایران» در سال ۱۲۹۵ است. کمیته مجازات در دور اول رییس‌الوزاری میرزا حسن خان وثوق‌الدوله تشکیل شد. این زمان مصادف بود با گذشت یک دهه از امضای فرمان مشروطه در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ به دست مظفرالدین شاه و هفت سال بعد از فتح تهران به دست مشروطه خواهان در تاریخ ۲۵ تیر ۱۲۸۸. کمیته مذکور در اوج قدرت سیاسی مشروطه خواهان تشکیل شد و دو سال بعد با دستگیری و اعدام سران آن به عمر کوتاهش پایان داد شد. تاریخچه

اعتقاد و باور به مقاومت مسلحانه، میرزا (حجت الاسلام) ابراهیم‌آقا تبریزی، نماینده مردم تبریز در مجلس شورای ملی را به تشکیل کمیته ای به نام «کمیته غیرت» ترغیب کرد تا ضمن در اختیار داشتن اهرم‌های سیاسی در مجلس از امتیاز اقدامات مسلحانه ناشناس در خارج کردن مخالفان از میدان و بالا بردن ضرب موفقیتهای محمدعلی شاه در امور دولت، استفاده کند.

وی برای عینیت بخشیدن به نیت و اهداف خود به همراهی و همکاری اسدالله خان ابوالفتح زاده، میرزاده ابراهیم خان (سرتیپ) ملقب به منشی‌زاده و محمدنظر خان مشکوه‌الممالک احتیاج داشت از این رو با ایجاد کمیته غیرت، خود، ریاست کمیته را بر عهده گرفت و نایب رییس اولی را به میرپنج اسدالله خان ابوالفتح زاده و نایب رییس دومی را به میرزاده ابراهیم خان داد. این سه که عضو لژ ماسونی «بیداری ایران» بودند با همراه کردن محمدنظر خان مشکوه‌الممالک، صندوقدار لژ بیداری ایران، انجمن زیرزمینی غیرت را بنا کردند و طی دوره کوتاه فعالیت این تشکل تروریستی، اهدافی را هدف قرار دادند.

اما میرزا ابراهیم‌آقا تبریزی در غائله به توپ بستن مجلس توسط کلنل ولادیمیر پلاتونویچ لیاخوف، رییس قوای بریگارد قزاق روس در ایران که به دستور محمدعلی شاه انجام شد و گریختن او و برخی نمایندگان مجلس شورای ملی به پارک امین‌الدوله، در دوم تیر ۱۲۸۷ به ضرب گلوله قزاق‌های روس کشته شد.

مرگ میرزا اما موجب سرخوردگی و دلسردی سه عضو کمیته غیرت نشد، بلکه برعکس این گروه سه نفره را بر ادامه مسیر، مصمم تر کرد و ایده تشکیل کمیته ای جدید و دارای شعبه در ولایات و ایالت‌های مختلف کشور به نام «کمیته مجازات» را در ذهن موسسان اصلی یعنی ابوالفتح زاده و منشی زاده به وجود آورد.

مدت کوتاهی بعد از آغاز فعالیت‌های کمیته مجازات، دو نفر دیگر به نام‌های علی‌اکبر ارادقی و عماد‌الکتاب قزوینی به شورای سه نفری افزوده شدند همچنین سه عضو دیگر کمیته شامل کریم دواتگر، احسان الله خان دوستدار و حسین الله مسؤولیت ترور افراد را به عهده داشتند.

میرزا ابراهیم‌آقا تبریزی

میرزا ابراهیم آقا تبریزی فرزند علی زنجانی از روحانیان دگراندیش عصر مشروطه بود که بعد از تشکیل اولین دوره مجلس شورای ملی، به نمایندگی از سوی مردم تبریز انتخاب و به همراه ۱۰ نماینده دیگر از استان‌های شمالغربی کشور عازم تهران شد. او و هم فکرائش در مجلس اول با تشکیل فراکسیون اقلیت تا توانستند از نفوذ و کارشکنی‌های دربار جلوگیری کردند. اینان در تصویب متمم قانون اساسی عصر مشروطه نیز دخالت موثر داشتند همچنین میرزا و جریان وابسته به وی از جمله نمایندگان مؤثر در استیضاح میرزا علی‌اصغر خان اتابک ملقب به امین‌السلطان، صدراعظم محمدعلی شاه قاجار بودند.

اسماعیل رائین، نویسنده کتاب سه جلدی فراموش‌خانه و فراماسونری در ایران مدعی است: «انجمن غیرت یکی از انجمن‌های فرعی فراماسونری در ایران بود. مدیریت این تشکیلات با حاج میرزا ابراهیم آقا وکیل افراطی تبریز بود. این شخص از اعضای لژ بیداری ایران به شمار می‌رفت. به قول رائین، انجمن غیرت توسط ابراهیم آقا تبریزی و با حضور ابوالفتح زاده به عنوان نائب اول انجمن، منشی زاده نائب دوم، محمد نظر خان مشکوه‌الممالک صندوق دار لژ بیداری تشکیل شد.»

در مرداد ۱۲۸۹ حسین الله از عوامل وابسته به شبکه تقی زاده، ابوالفتح زاده و منشی زاده، که این افراد جریان دمکرات‌ها در ایران را رهبری می‌کردند، قبل از تشکیل کمیته مجازات، سید عبدالله بهبهانی از رهبران روحانی مشروطه را ترور کرد. در همان زمان برخی معتقد بودند دمکرات‌ها به رهبری تقی زاده عامل ترور این مجتهد شیعه است.

میرپنج اسدالله خان ابوالفتح زاده

میرپنج اسدالله ابوالفتح زاده تبار قفقازی داشت و پدرش میرپنج ابوالفتح خان از مهاجران قفقازی و از طایفه شیرلوی بود.

پس از شکست ایران در جنگ‌های ۲۰ ساله ایران و روسیه در زمان فتحعلی شاه قاجار و جدا شدن ۱۷ شهر منطقه قفقاز از خاک ایران در این جنگ‌ها، عده ای از اتباع ایرانی ساکن در این منطقه، زیر بار تبعیت از دولت روس نرفتند. آنان که بیشتر از اشراف و نظامیان قفقازی بودند به داخل مرزهای جدید ایران مهاجرت کردند و مورد حمایت شاه قاجار قرار گرفتند.

مهاجران قفقازی به دلیل تعصب وطن پرستی، جایگاه ویژه ای در دربار قاجار پیدا کردند و بعدها در عصر ناصرالدین شاه که بریگاد سواره قزاق به فرماندهی افسران قزاق روس تشکیل شد، قدرت و نفوذ یک گروهیان مهاجر قفقازی از یک میرپنج ایرانی بیشتر بود.

میرپنج اسدالله خان ابوالفتح زاده از جمله افسران قشون ایران بود که در ضدیت با محمدعلی شاه، به مشروطه خواهان پیوست و از قزاقخانه قاجار استعفا داد. او در بسیاری از جنگ‌های مشروطه خواهان با نیروهای دولتی شرکت داشت حتی در جنگ جهانی اول نیز به گروه مهاجران قفقازی پیوست. او از مدافعان به توپ بستن مجلس بود. بعد از این ماجرا با عده زیادی از مشروطه خواهان مسلح به قلهک رفت و از آنجا به رشت عزیمت کرد و قوای

مسلحش را در اختیار کمیته ستار قرار داد. ابوالفتح زاده برای سهولت فتح تهران به دست قوای مشروطه، در قشون قزوین و تهران فعالیت زیادی کرد. بعد از فتح تهران به دست مشروطه خواهان، مأمور وصول مالیات از شاهزاده مسعود میرزا ظل‌السلطان شد. ابوالفتح زاده بعد از ترور عبدالله بهبهانی از رهبران روحانی جنبش مشروطه، در حدود سال ۱۲۹۸ به همراه حیدر عمو اوغلی به اروپا سفر کرد از جزئیات و چرایی این سفر اطلاعی در سند تاریخی ثبت نیست. او بعد از بازگشت از اروپا در سال ۱۳۳۰ توسط مرنازلژیکی رییس خزانه‌داری کل ایران، مأمور وصول مالیات ساوجبلاغ و شهریار شد اما مدتی بعد به دلیل رفتار بدفتاری با مردم از این سمت برکنار شد. مهدی بامداد، نویسنده کتاب شش جلدی شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری شمسی معتقد بود چون خانواده ابوالفتح زاده بهایی بودند، رقبایش به او نسبت دادند در سفر به اروپا برای پیشرفت بهاییت در ایران ماموریت یافت.

براساس اسناد تاریخی رشد بهاییان در ساختار فرهنگی و سیاسی ایران از دوره‌ی بعد از انقلاب مشروطه آغاز شد و آنان موفق شدند طی سالهای ۱۲۹۸ تا سوم اسفند ۱۲۹۹ و کودتای رضا خان علیه احمد شاه قاجار، مناصب فرهنگی و سیاسی بسیاری به دست آوردند و نقش مهمی در تحولات ایران ایفا کردند.

باید توجه داشت ابوالفتح زاده، منشی زاده و عده زیادی از افرادی که با کمیته مجازات مرتبط بودند از کارمندان مورگان شوستر آمریکایی در ایران بودند که مورد حمایت جدی بهاییان ایران بود.

میرزاده ابراهیم خان منشی‌زاده

ابراهیم پسر کریم بیگ معروف به کریم خان منشی اوف از خانواده‌های سرشناس شهر ایروان در منطقه قفقاز بود. میرزا کریم خان در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۸ به ایران آمد و از شاه تابعیت ایرانی گرفت و در قزاقخانه استخدام شد اما به دلیل دشمنی تاریخی و مخالفت و درگیری با فرماندهان روسی قزاقخانه، ابتدا مسموم و بعد از بریگاد قزاق اخراج شد. او عضو کمیته غیرت بود و پسرش ابراهیم نیز بعدها در قالب همین کمیته راه پدرش را ادامه داد.

ابراهیم که تا پیش از مهاجرت پدر در ایران مشغول تحصیل بود با مهاجرت به ایران در مدرسه دارالفنون تهران درسش را ادامه داد. به علت اخراج پدرش، کینه افسران روس را به دل گرفت و او نیز مانند پدر با افسران بالادست خود در قزاقخانه مخالفت می‌کرد. او بعد از اخراج پدرش از قزاقخانه، صاحب‌منصبان مخالف را متحد کرد و با پخش شبنامه و اعلامیه‌های متعدد علیه رییس روسی قزاقخانه، دست به افشاگری زد. سرانجام کلنل لیاخوف، فرمانده بریگاد سواره قزاق همایونی که فرمانده ای سختگیر و مقتدر بود، ابراهیم خان را با درجه سرهنگی از قزاقخانه اخراج کرد.

او به دنبال اهداف پدرش در انقلاب مشروطه مشارکت کرد و بعد از فتح تهران به دست مشروطه خواهان، وارد خدمات کشوری شد و سمت‌های گوناگونی از قبیل ریاست نظمیة شیراز، ریاست تحدید تریاک یزد و کرمان و ریاست دارایی غار و فشافویه را برای مدتی عهده دار شد و بعد از آن رییس مالیه فیروزکوه شد.

پیوند دو قزاق

خروج میرپنج اسدالله خان ابوالفتح زاده و میرزاده ابراهیم خان منشی‌زاده از بریگاد قزاق، همزمان شد با انقلاب مشروطه. همین مسئله موجب پیوستن هر دو افسر اخراجی و ناراضی، به مشروطه خواهان شد و چون هر دو در نظامیگری، تیراندازی و جنگ تبحر ویژه داشتند، بین مشروطه خواهان معروف شدند و پس از پیروزی مشروطه خواهان و فتح تهران، در دستگاه مشروطه صاحب نفوذ و مقام شدند.

محمدنظر خان مشکوه‌الممالک

محمدنظر خان پسر مشکوه‌الممالک سابق تا سال ۱۲۸۷ جزو مستخدمین کامران میرزا نایب‌السلطنه بود که به دلیل دوستی با اسدالله خان ابوالفتح زاده و میرزا ابراهیم خان منشی زاده به تدریج تمایلات مشروطه خواهی پیدا کرد.

در دوره ریاست خزانه داری کل موسیو برنارد بلژیکی به واسطه دوستی با میرزاده ابراهیم خان منشی‌زاده، رییس اجرای مالیه تهران شد و تا اواخر سال ۱۲۸۶ در این منصب ماند.

در زمان تاسیس لژ فرماسونری بیداری ایران در ۱۴ آبان ۱۲۸۶، صندوق دار لژ و پس از آن در کنار میرزا آقا تبریزی، ابوالفتح زاده و منشی زاده به عضویت کمیته غیرت که همزمان با اولین دوره مجلس شورای ملی در آذر ۱۲۸۶ شکل گرفته بود، درآمد.

عبدالله متولی، استاد دانشگاه آزاد در کتابش مشکوه‌الممالک را فردی بهایی معرفی می‌کند که رسیدگی به امور مالی و کارهای دفتری را در کمیته مجازات بر عهده داشت.

در مورد سابقه و عملکرد او در دوره قبل از انقلاب مشروطه اطلاعی در دست نیست.

عملیات ترور

طی پنج ماه فعالیت کمیته مجازات چند نفر هدف گلوله قرار گرفتند. ترورها با قتل میرزا اسماعیل خان شیرازی، رییس انبار غله دولتی آغاز و با قتل رضا منتخب‌الدوله پایان یافت.

عبدالله بهرامی که در آن روزها معاون اداره تامینات پلیس سوئدی در تهران بود، نوشت: «در آن روزهایی که من معاون کل اداره بودم یک روز صبح در حیاط «تامینات» قدم می‌زدم کمی‌س محل با تلفن اطلاع داد که میرزا اسماعیل خان، رییس انبار غله را جلوی اداره با دو گلوله کشته اند. میرزا اسماعیل خان در آن موقع، رئیس آن اداره که از مشاغل پرمفعت آن دوره بود، شده بود و قبل از آن مدتی مأمور پرداخت حقوق اعضای نظمیة بود و غالباً او را در آنجا ملاقات می‌کردم. میرزا اسماعیل خان با همان تیر اول که به قلبش اصابت کرده بود فوت نموده بود.»

دومین اقدام کمیته مجازات ترور «کریم دواتگر» یکی از تروریست‌های کمیته مجازات بود که ۱۳ اردیبهشت ۱۲۹۶ در کنار کلیسای ارامنه انجام شد. چند روز پس از این قتل سه نفر به نامهای «رشید السلطان»، «سید مرتضی» و «میرزا عبدالحسن ساعت‌ساز» دستگیر و به تامینات جلب شدند. این سه نفر در جریان تحقیقات، به هر دو قتل میرزا اسماعیل خان، رییس انبار غله دولتی و کریم دواتگر اعتراف کردند.

سومین ترور کمیته مجازات قتل میرزا عبدالحمید خان متین السلطنه بود که در اول خرداد ۱۲۹۶ در دفتر کارش واقع در خیابان قوام السلطنه اتفاق افتاد. متین السلطنه فرزند حاجی میرزا عبدالباقی تهرانی و برادر دکتر اعلم‌الدوله ثقفی و تحصیلکرده انگلستان بود. چندی در گمرک اشتغال داشت و مدتی هم روزنامه طلوع را در بوشهر انتشار داد. در دوره دوم از خراسان به وکالت مجلس انتخاب شد و موقعی که ذکاءالملک فروغی رییس مجلس بود، او نیابت ریاست را عهده دار شد. پس از اتمام دوره مجلس روزنامه معتبر و سیاسی «عصر جدید» را در تهران انتشار داد که از جهات مختلف بر سایر روزنامه‌های تهران به واسطه صحت اخبار و مقالات جدی و اصولی ترجیح داشت.

چهارمین قتل، در روز ۱۷ خرداد ۱۲۹۶ اتفاق افتاد. این بار یکی از مجتهدین منتقد و با قدرت آن روزگار در خون خود غلتید. مقتول کمیته مجازات، میرزا محسن مجتهد فرزند محمدباقر صدرالعلما، برادر میرزا جعفر صدرالعلما و داماد آیت‌الله عبدالله بهبهانی بود. او از دوستان نزدیک وثوق‌الدوله و قوام السلطنه بود که با هفت گلوله جان سپرد.

در همان روز پنجمین و ششمین قتل اتفاق افتاد. رضا منتخب‌الدوله خزانه دار و برادر امیراعلم، داماد وثوق‌الدوله در خیابان امیریه به قتل رسیدند. قتل

رضا منتخب الدوله باعث اختلاف نظر شدیدی بین اعضای کمیته شد. میرزا عبدالحمیدخان متین السلطنه ثقفی نیز هفتمین فرد ترور شده بود.

تهدید محدث قمی

فرد بعدی که در لیست کمیته مجازات قرار گرفت، آیت‌الله شیخ عباس قمی معروف به محدث قمی صاحب کتاب مفاتیح الجنان بود. بعدها در لابه لای اوراق کتابهای خطی ایشان، برگه ای از اعضای کمیته مجازات دموکرات مشهد پیدا شد که در نوشته ای کوتاه، ایشان را به دلیل سخنرانی افشاگرانه علیه آمریکایی ها روی منبر، تهدید به قتل کردند.

نوشته این بود: «آقای آقا شیخ عباس قمی، پدر سوخته، شنیدم که در منبر از آمریکایی‌ها حرف بد می‌زنید، اگر شنیده شد که دو مرتبه از این گونه مزخرفات بگویید و تکذیب نکنید همین دوشنبه به ضرب گلوله شکمت را مثل سگ پاره پاره خواهیم کرد.»

ایشان در حاشیه همان دستخط کمیته با مرکب قرمز نوشته بود: «در چند سال قبل در ماه رمضان احقر منبر می‌رفتم. در اواخر ماه این کاغذ را برای من فرستادند، و آن روز دوشنبه که موعد بود روز یک‌شنبه آن، من به دیدن حاجی‌ها رفتم. ... مبلغی دفعتاً برای من رسید از حاجی‌ها، همان وقت من هم به حج مشرف شدم و دموکرات هم از بین رفت.»

این نوشته در مقطعی نوشته شد که مرحوم حاج شیخ عباس در مشهد اقامت داشت و ماه رمضان در مسجد گوهرشاد یا جایی دیگر منبر می‌رفت. فرجام تروریستها

بعد از انتصاب میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه به رییس الوزرایی احمد شاه، او در اجرای دستور شاه، مستشارالدوله صادق وزیر داخله را مامور دستگیری و محاکمه اعضای کمیته مجازات و تروریستهای آن کمیته کرد. اوی نیز عبدالله بهرامی، رییس نظمیہ گیلان را که در گذشته معاون اداره تأمینات بود به تهران احضار و به ریاست تأمینات منصوب کرد.

بهرامی اسامی اعضای کمیته مجازات را در نامه ای محرمانه با لاک و مهر به علاءالسلطنه، رییس الوزرا معرفی کرد و علاءالسلطنه بی آنکه پاکت را باز کند روی پاکت نوشت «همه کسانی که در این لیست هستند و من از نام و هویتشان خبر ندارم دستگیر و بازداشت شوند.»

بعد از صدور دستور، اداره تأمینات برخی اعضای کمیته را دستگیر و برخی نیز متواری شدند. بیشتر اعضای کمیته مجازات به دست بهرامی دستگیر و در زندان نظمیہ زندانی شدند اما از محاکمه آنها خبری نشد.

پرونده اعضای کمیته مجازات در دولت علاءالسلطنه رها شد و دو دولت بعد یعنی عین الدوله و مستوفی الممالک هم در این زمینه قدمی برنداشتند اما در دولت صمصام السلطنه همه دستگیر شدگان از زندان آزاد شدند.

با انتخاب وثوق الدوله به صدراعظمی در همان روزهای اول صدارت، دستور دستگیری ۲۰ محکوم آزاد شده بار دیگر صادر شد. وثوق الدوله با مشورت نصرت الدوله، وزیر عدلیه، میرزا احمدخان اشتری به ریاست دادگاه جنایی برای محاکمه اعضای کمیته مجازات تعیین شد و نصرت الدوله نیز ابزار کار او را از هر جهت فراهم کرد.

دادگاه نیازی به بازپرسی نداشت زیرا چندین بار در تأمینات از همه آنها بازجویی به عمل آمده بود و همگی به اعمال خود اعتراف کرده بودند و حتی برخی از دستگیر شدگان اقدامات تروریستی خود را اقدامی وطن پرستانه اعلام کرده بودند.

محاکمه به سرعت آغاز و حکم محکومان به سرعت صادر شد. حسین لله و رشید السلطان که به صورت فردی و دو نفری مرتکب چندین فقره قتل شده بودند، محکوم به اعدام شدند و حکم آنها در میدان توپخانه روبه روی ساختمان نظمیہ به مرحله اجرا درآمد و به دار آویخته شدند.

ابراهیم منشی زاده و اسدالله ابوالفتح زاده که مؤسسین کمیته بودند و دستور قتلها از طرف آنها صادر می شد، محکوم به ۱۵ سال زندان و تبعید به کلات نادری شدند و هنگام انتقال به کلات، در محدود شهر سمنان به گلوله بسته شدند و به قتل رسیدند.

ارداقی و مشکوه الممالک هر کدام محکوم به پنج سال حبس شدند البته مشکوه الممالک به مازندران گریخت، احسان الله خان به قفقاز پناه برد و پس از چندی به گیلان وارد شد و در جرگه میرزا کوچک خان درآمد و در نهایت با رضا، سردار سپه بیعت کرد و با درجه سرهنگی وارد قشون شد و در جنگ با سمیتکو کشته شد.

بقیه محکومان نیز به ۵ تا ۱۵ سال حبس محکوم شدند.

کمیته مجازات عمری بیش از دو سال پیدا نکرد و با اعدام سران آن در شهریور ۱۲۹۷ پرونده جنایاتش مختومه شد.

منابع:

حیات یحیی، جلد دوم، ص ۲۴۵

عبدالله متولی، کمیته مجازات، ص ۸۴

اسماعیل رائین، حیدر عمو اوغلی، ص ۴۸

سیدابوالحسن علوی، رجال عصر مشروطه، ص ۱۰۵

احمد کسروی، تاریخ انقلاب مشروطه، ص ۶۱۳ و ۶۴۶

اسماعیل رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران، ج ۲، ص ۴۳

مفاخر اسلام، علی دوانی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱۱

حسین آبادیان، ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، صص ۳۴۴-۳۴۲